

اسلام

و

عوامل

جناح بندی

در احزاب

در مقاله گذشته سؤالی به این شرح مطرح کردیم که: ((اگر اسلام اصرار دارد که وحدت درامت محفوظ بماند چگونه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تعداد احزاب را در نظام جمهوری اسلامی تجویز می کند در صورتی که تجربه نشان داده که تعدد احزاب، جناح بندی بوجود می آورد و در بعضی موارد جناح بندی ها عامل موثری برای کودتاها و زد و خورد ها و کشت و کشتارها بوده است)) و در پاسخ این سوال ثابت نمودیم که قانون اساسی به این مطلب توجه داشته و جوانب امر را رعایت نموده است. در اینجا گذشته را تکرار نمی کنیم، آنچه مجدداً مورد بحث قرار می گیرد، این است که از نظر اسلام، حزب باید برنامه ای تنظیم کند که هیچیک از عوامل جناح بندی در آن نباشد تا به وحدت امت آسیبی وارد

نظام امامت

طرح تشکل در اسلام

آخرین قسمت

بتواند، برای رقیب، ایجاد مزاحمت می کند و همین امر در احزاب موجب کشمکش و جناح بندی ها و موضع گیری های خصمانه می گردد.

در اسلام هیچ حزبی نمی تواند در بین مسلمین از عقیده غیر اسلامی تبلیغ کند و با بنام اسلام در مسائل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و غیره زیر بنای غیر اسلامی داشته باشد. اسلام به اینگونه احزاب آزادی تبلیغ نمی دهد و از رشد آنها جلوگیری می کند و بطور کلی در حوزه اسلام تاسیس حزبی که مواضع غیر اسلامی داشته باشد، برای مسلمانان ممنوع است زیرا اسلام همه را به خدا دعوت می کند و آنها را در پیروی از احکام خدا ملزم می داند و کسانی را که عقیده ای غیر اسلامی دارند و مردم را به نظامی غیر از نظام وحی دعوت می کنند، همراه کننده و بدعت گزار معرفی نموده و آنها را برای جامعه اسلامی خطرناک می داند مخصوصاً اگر مطالب غیر اسلامی خود را بخواهند بنام خدا و بنام وحی در بین مردم منتشر نمایند.

قرآن مجید در سوره انعام در ضمن آیات ۱۴۰ تا ۱۴۵ کسانی را که بدون علم چیزهایی را بر خود حرام کرده و آن را به

نگردد. اگر برنامه حزب بگونه ای باشد که عامل تفرقه و جناح بندی ((در امت واحد)) را ممنوع نکرده باشد و با خود عامل تفرقه گردد آن حزب، اسلامی نخواهد بود و برای مسلمان جایز نیست که در آن وارد گردد یا از آن تبلیغ نماید. و همانگونه که اجمالاً بیان گردید در احزاب پنج عامل می تواند - هر کدام به تنهایی - موجب جناح بندی و تفرقه باشد.

عامل اول: اختلاف در مسائل عقیدتی

و مواضع اجتماعی، سیاسی و اقتصادی اگر فرضاً دو حزب وجود داشته باشد که یکی از آنها معتقد به اصالت مذهب باشد و دیگری ضد مذهب یا یکی از آن جمهوری خواه باشد و دیگری مثلاً سلطنت طلب یا یکی طرفدار نظام سرمایه داری باشد و دیگری ضد سرمایه داری، طبیعی است که بین این دو حزب وحدت نخواهد بود و در میدان سابقه هر کدام می کوشد بر دیگری پیروز گردد و اکثریت را بدست بیاورد تا بتواند حاکم گردد و برنامه های خود را پیاده کند و اصولاً تفاهم بین دو نظامی که متضاد هستند غیر ممکن و با حد اقل مشکل است و هر نظامی که می کوشد اکثریت را بدست آورد و حکومت را در اختیار بگیرد معمولاً اگر

دین خدا نسبت دادند مورد نکوهش قرار می دهد و آنگاه می فرماید: کیست ظالم تر از کسی که دروغی را بر خدا ببندد تا مردم را بدون علم به گمراهی بکشاند،

" فمن اظلم ممن افترى على الله كذبا " " ليضل الناس بغير علم "

و در سوره نوح در ضمن آیات ۲۰ تا ۲۷ که درباره قوم نوح (ع) سخن می گویند می فرماید: قوم نوح به خاطر گناهان خود (در آب) غرق گردیدند و در آتش داخل شدند و در همان آیات بنا بر بعضی از تفاسیر یکی از گناهان قوم نوح را گمراه کردن دیگران می داند.

" وقد اضلوا كثيرا ولا تزال الظالمين " " الا ضلالا مما خطيئاتهم اغرقنوا " " فادخلوا نارا "

از علی (ع) نقل شده که آن حضرت فرمود: آغاز بیدایش آشوبها پیروی از هوسها و بدعت گذاری احکامی است بر خلاف قرآن که مردمی به دنبال مردمی آنرا بدست گیرند (توسط بدعت گذاران) مقداری از حق گرفته و یا مقداری از باطل آمیخته می شود (و افکار النقطاتی به وجود می آید) اینجا است که شیطان بردوستان خود چیره می شود (و آنها را به گمراهی می کشاند) اگر باطل خالص باشد و باحق آمیخته نگردد مطلب بر هیچ اندیشمندی پوشیده نمی ماند و اگر حق خالص باشد ، اختلافی پیش نمی آید .

" عن ابي جعفر (ع) قال : خطب " " اميرالمؤمنين (ع) الناس فقال : " " ايها الناس انما بدت وقوع النقص " " اهوأ تتبع و احكام تتبدع يخالف " " فيها كتاب الله يتولى فيها رجال " " رجالا فلو ان الباطل خلس لم يخف " " على ذي حجب و لو ان الحق خلس " " لم يكن اختلاف ولكن يؤخذ من " " هذا ضعف و من هذا ضعف فيمزجان " " فيجيثان معا فهنا لك استحود " " الشيطان على اولياته "

(اصول کافی باب فضل العلم)

و نیز از آن حضرت نقل شده که فرمود : یکی از مبغوضترین خلق در نزد خداوند مردی است که خداوند او را به خود واگذار نموده و از راه راست منحرف گشته و دلباخته سخن بدعت شده است .

" عن اميرالمؤمنين (ع) انه قال : " " ان من ابغض الخلق الى الله عزوجل " " لرجلين : رجل و كله الله السى " " نفسه فهو جائر عن قصد السبيل " " مشعوف بگلام بدعت الحدیث "

و در حدیث دیگر وارد شده است که هر کس نزد بدعت گذاری آید و به او تعظیم نماید (و او را عظمت بدهد) در ویران کردن اسلام کوشیده است .

" من اتى ذبا بدعة فعظمه فانما يسعى " " في هدم الاسلام "

در وسائل الشیعه ، کتاب قضا ، در ابواب صفات قاضی ، روایات فراوانی داریم که ائمه معصومین - علیهم السلام - بدعت گذاری و جعل قوانین و تفسیر برای و نسبت دادن قوانین خود ساخته را به خدا و پیغمبر و اسناد دروغ دادن و افترا به اسلام و فتوای بدون علم و اجتهاد با رای و نظر و استنباط احکام با قیاس و استحسان عقلی بی مورد راشدیدا مورد نکوهش قرار داده و کسانی را که با اینگونه کارها حقایق اسلامی را با اباطیل خود ساخته بنامیزند اهل عذاب و آتش می دانند .

بنا بر این در اسلام تاسیس حزبی که ایده غیر اسلامی داشته باشد یا مواضع اجتماعی سیاسی و اقتصادی آن بر خلاف اسلام باشد ، حرام و خلاف شرع است زیرا این عمل بدعت و موجب گمراهی بندگان خدا است .

در حوزه امامت همه احزاب باید برنامه اسلامی داشته باشند و اگر حزبی بخواهد با برنامه غیر اسلامی تاسیس گردد لازم است به عنوان نهی از منکر با شیوه معقول از تاسیس آن جلوگیری شود و اگر همه احزاب عقیده اسلامی داشته باشند و کلیه مواضع آنها اسلامی باشد از لحاظ مواضع و عقیده

اختلافی نخواهند داشت و جناح بندی بوجود نمی آورند .

عامل دوم: رقابتهای منفی و موضع گیریهای کوبنده

قبلا اشاره کردیم که رقابتهای منفی و موضع گیریهای خصمانه نسبت به برادران مسلمان ، گناه و خلاف شرع است و غالبا عامل تفرقه می گردد . اسلام ، مسلمانان را در میدان زندگی به یک سابقه مثبت و سازنده در جهت اصلاح فرد و جامعه و انجام نیکی ها دعوت می کند و آنها را از هر گونه موضع گیریهای رنگ آمیز و برخورد های خصمانه بر حذر می دارد . و اینک با استفاده از مدارک مذهبی (به خواست خداوند) نظریه اسلام را در رابطه با این دو موضوع (رقابت مثبت و رقابت منفی) روشن می نمائیم .

سابقه در خیرات و رقابتهای مثبت .

قرآن مجید و رهبران اسلام ، مسلمانان را با تاکید فراوان به مسارعت و شتاب در انجام نیکی ها و سابقه در خیرات دعوت می کند . سابقه در خیرات همان رقابت مثبت در جهت خوب شدن و خوب عبادت نمودن و خوب ساختن جامعه است . در اینجا به چند نمونه از آیات قرآن و سخنان معصومین - علیهم السلام - اشاره می کنیم :

۱ - قرآن مجید در آیه ۱۳۰ تا ۱۳۳ از سوره آل عمران می فرماید :

" واتقوا النار التي اعدت للكافرين و " " اطيعوا الله والرسول لعلكم ترحمون " " و سارعوا الى مغفرة من ربكم وجنة " " عرضها السموات والارض اعدت " " للمعتقين "

از آتشی که برای کافران آماده شده است بترسید و خدا و رسول را پیروی کنید ، باشد که مورد رحمت خدا قرار بگیرید و بسوی مغفرت و آمرزشی که از جانب پروردگار شما است و بسوی بهشتی به عرض آسمانها و زمین که برای متقیان آماده است مسارعت نمائید . بنا بر نقل بعضی از ارباب لغت مسارعت ، مبالغه در سرعت است یعنی برای

رسیدن به اسباب مغفرت و انجام اطاعت خداوند سرعت و شتاب بیشتر داشته باشید

۲- و در آیه ۹۰ از سوره انبیا بعد از اینکه در باره زکریا و یحیی صحبت می‌کند و آنها را به نیکی یاد می‌نماید، چنین می‌فرماید:

"انهم كانوا یسارعون فی الخیرات"

آنها افرادی بودند که در انجام نیکی‌ها سرعت و شتاب بیشتر داشتند. خداوند در این آیه شریفه مسارعت در خیرات را بعنوان یکی از صفات نیک و قابل ستایش پیغمبران یاد نموده است.

۳- رسول اکرم (ص) پس از بعثت، مدت ۱۳ سال در مکه و مدت چند ماه بعد از هجرت در مدینه به سمت بیت المقدس - قبله گاه نخستین - عبادت می‌کرد و سپس بنا بر مصالحی، قبله مسلمین تغییر یافت و پیغمبر مأمور شد تا به سمت کعبه نماز بخواند. پس از تغییر قبله، مخالفان رسول خدا مخصوصا یهودیان - خوردند کبری می‌کردند و مسلمانان را مورد اعتراض قرار می‌دادند و با آنان در مناجره بودند بنا بر گفته بعضی از مفسران، قرآن مجید آنها را از صرف وقت در اینگونه مناجره‌ها و اینگونه درگیری‌ها برحذر داشته و فرموده است: هر قوم و ملتی قبله‌ای دارند که خداوند آن را مقرر نموده و هر کس برای خود به سوی خدا راهی را انتخاب کرده است، به جای اینکه بخاطر مسئله تغییر قبله با یکدیگر درگیر باشید و مناجره داشته باشید در جهت خیرات بر یکدیگر سبقت بگیرید و در کارهای نیک و عبادات و اطاعت خداوند، مسابقه مثبت داشته باشید و بکوشید هر کدام از دیگری بهتر خدا را عبادت کنید که خداوند همه شما را روز قیامت جمع خواهد کرد و همه نیتها آشکار می‌گردد و هر کسی به سزای اعمال خود خواهد رسید.

"و لکل وجهه هو مولیها فاستبقوا الخیرات این ما تکنونوا یات بکم" "الله جمیعاً"

"ان الله علی کل شیء قدیر"

(سوره بقره، آیه ۱۲۸)

هر طائفه‌ای قبله‌ای دارند که خداوند آنرا تعیین کرده است پس در نیکیها بر یکدیگر سبقت بجوئید، هر کجا باشید خداوند همه شما را حاضر می‌کند زیرا او بر هر کاری توانا است.

۴- خداوند در ضمن آیاتی از سوره مائده در باره کتابهای آسمانی تورات و انجیل سخن می‌گوید می‌فرماید: ما کتابهای آسمانی را وسیله هدایت انسانها قرار دادیم و به انبیا فرمان دادیم تا در میان مردم بر طبق احکامی که فرستادیم داوری کنند. و در آیه ۴۸ می‌فرماید:

"لکل جعلنا منکم شرعاً و منهاجاً"

"و لو شاء الله لجعلکم امة واحداً"

"لکن لیبطلکم فی ما آتیکم"

"فاستبقوا الخیرات الی الله مرجعکم"

"جمیعاً فینبئکم بما کنتم فیہ"

"تختلفون"

برای هر کدام از شما راه و طریقی قرار دادیم و اگر خدا می‌خواست همه شما را امت واحد قرار می‌داد (و برای شما یک شریعت مقرر می‌کرد) ولی برای اینکه شما را در آنچه به شما داده است ببازماید (بر حسب استعداد شما، برای هر کدام شریعت مخصوصی قرار داده است) پس در انجام کارهای نیک بشتابید (و برای بهتر شدن و بهتر عبادت کردن بر یکدیگر سبقت بگیرید) بازگشت همه شما بسوی خدا است (خداوند) شما را به آنچه مورد اختلاف شما است آگاه می‌کند.

از آیات قبل استفاده می‌شود که بین مسلمانان و اهل کتاب در باره بعضی از احکام کتابهای آسمانی گفتگوها و مناجره‌ها هستی بوده است، خداوند آنها را متوجه نموده که بجای این مناجره‌ها و موضع گیری‌های زبان‌بار بکوشید تا مسابقه مثبت و سازنده داشته باشید.

۵- در سوره مؤمنون بعد از اینکه در باره امت‌های پیشین سخن بیان آمده و

موضع گیری‌های آنان را در قبال رسولان خدا شرح می‌دهد، در آیه ۵۳-۵۴ می‌فرماید:

"کل حزب بما لدیهم فرحون فرهم"

"فی عمرتهم حتی حیس"

هر حزب و گروهی به آن دینی که دارند دل خوش نموده‌اند (وراهی را که انتخاب کرده‌اند حق می‌دانند) بگذار (ناگمراهان و جاهلان که دنبال حقیقت نمی‌روند) تا هنگام مرگ (یا هنگام عذاب) در جهالت و گمراهی بمانند. و دنبال این بیسان، اوصافی را به این شرح برای آن حزبی که مؤمن و خدا جو هستند بیان می‌کند:

"کسانی که از بیم عذاب خدا ترسناک هستند و کسانی که به آیات پروردگار شان ایمان می‌آورند و کسانی که به پروردگاران شرک نمی‌ورزند و کسانی که از آنچه به آنها داده شده (درواه خدا) انفاق می‌کنند در حالی که قلبهایشان بر از خوف خدا است، اینان کسانی هستند که برای انجام نیکی‌ها می‌شتابند و بر دیگران سبقت می‌گیرند."

"اولئک یسارعون فی الخیرات وهم"

"لها سابقون"

قرآن مجید آن حزب و گروهی را رستگار می‌داند که با داشتن ایمان به خدا و ایمان به عذاب قیامت، در میدان زندگی در انجام نیکی‌ها در مسابقه باشند.

۶- در آیه ۲۰ از سوره حدید دنیا را بی ثبات معرفی نموده و آن را به گیاهی تشبیه می‌نماید که بعد از سرسبزی و طراوت مخصوص که به انتهای نمو خود می‌رسد، سرانجام به برگهای پژمرده و خشکی تبدیل می‌گردد که باد، آنها را به این طرف و آن طرف حرکت می‌دهد، و می‌فرماید در آخرت دو چیز برای انسانها وجود دارد یکی عذاب شدید خدا و دیگر آرزوش و رضایت او پس می‌فرماید:

"سابقوا الی مغفره من ربکم و جنه"

"عرضها کعرض السماء والأرض اعدت"

"للذین آمنوا بالله و رسله"

سبقت بگیرید بسوی آرزوشی که از جانب پروردگار شما است و بسوی بهشت پهناوری

که به پهنای آسمان و زمین است و برای مؤمنان به خدا و رسولان او آماده شده است (بکشید تا در راه بهشت و آماده کردن اسباب آموزش در مسابقه باشید) .

۷- بطور کلی دنیا در نظر رهبران اسلام میدان مسابقه در جهت کارهای نیک و امور معنوی برای آباد نمودن آخرت است . علی (ع) پس از اندرزها و موعظه های ارزنده می فرماید : بسوی منزل های خودتان که مامور به آباد نمودن آن هستید و بسوی آن خانه که به آن میل کرده اید و برای سکونت در آن دعوت شده اید سبقت بگیرید خدای شما را رحمت کند .

" فابقوا رحمکم الله الی منازلکم "
" الی امرتم ان تعمروها والی رغبتم "
" فیها و دعیتم الیها "

(نهج البلاغه خطبه ۱۸۶)

رقابت های منفی

و موضوع گیری های خصمانه .

با دقت در آداب و اخلاق مذهبی ، رقابت های منفی به معنای کوبیدن دیگران و از صحنه بیرون راندن آنان از گناهان بزرگ بحساب می آید زیرا انگیزه های رقابت منفی معمولا از اموری است که در اسلام ممنوع و گناه است ، مانند این امور : (استعلا و برتری جوئی ، حب جاه و ریاست طلبی ، رشک و حسد ، خودپسندی ، خودخواهی و غرور) کسانی که دیگران را می کوبند و می خواهند آنها را از صحنه خارج نمایند یا به علت اینکه خود را از دیگران برتر می دانند و میخواهند دیگران تحت سلطه آنها باشند و این همان استعلا و برتری جوئی است و اینان شهرت دوست و ریاست طلب هستند و می خواهند نام آنها همیشه بر سر زبانها باشد و دیگران تحت الشعاع باشند و ریاستها نیز فقط در دست آنها باشد و این همان حب جاه و ریاست خواهی است و یا خودپسندی و غرور در آنها رشد یافته و دیگران را بچیزی نمی شمارند و می خواهند دیگران طفیلی آنها باشند و با صفت زشت

حسد در آنها ریشه دار شده و نمی توانند دیگران را در مقام و موقعیت اجتماعی ببینند . همه اینها در اسلام از صفات زشت شمرده شده و مورد مذمت قرار گرفته است . قرآن مجید می فرماید : این دار آخرت (یعنی بهشت) را برای کسانی قرار می دهیم که اراده برتری جوئی و فساد در زمین را ندارند :

" تلك الدار الآخرة نجعلها للذین "

" لا یریدون علوا فی الارض ولا فسادا "

(سوره قصص آیه ۸۳)

بنابر گفته صاحب تفسیر المیزان ، استکبار و اراده علو و اظهار برتری بر بندگان خدا یکی از مصادیق فساد در زمین است که به علت اهمیت آن در کنار فساد ، اختصاص به ذکر یافته است .

ابلیس یکی از کسانی بوده که بنا بر نقل نهج البلاغه شش هزار سال (که معلوم نیست از سالهای دنیا بوده و یا از سالهای آخرت) خدا را عبادت نمود و سرانجام به علت استکبار و خود برتر بینی که حاضر نشده در مقابل آدم به امر خدا سجده کند ، همه عبادت های او تباه گردیده و از درگاه خدا رانده شده و مورد خشم الهی قرار گرفته است .

هر کس با روایات اسلامی و آیات قرآن آشنائی داشته باشد خوب می داند که یکی از خلق های زشت در اسلام خود برتر بینی و یکی از گناهان بزرگ اظهار برتری نمودن بر بندگان خدا است . حب جاه و شهرت دوستی نیز در کتب اخلاق از صفات زشت و تباه کننده به حساب آمده است . مرحوم نراقی می فرماید :

" حب الجاه والشهره من المهلکات "

" العظیمه "

شهرت در اصطلاح اخلاق آن است که انسان دوست داشته باشد که در بین مردم مشهور باشد و نام او به بزرگی بر سر زبانها باشد و حب جاه این است که انسان مایل باشد دل های دیگران در تسخیر او باشد و بندگان خدا مطیع و فرمانبردار او باشند .

از رسول خدا (ص) نقل شده که فرمود : حب جاه و مال در دل انسان نفاق را می روپاند همانگونه که آب ، گیاه را

" حب الجاه و المال تنیان النفاق "

" فی القلب كما ینبت الماء الیقل "

ریاست طلبی نیز در اسلام مورد نکوهش قرار گرفته و برای دین مسلمان خطر ناک معرفی شده است .

از امام صادق (ع) نقل شده که فرمود : کسی که ریاست می خواهد تباه می گردد .

" من اراد الریاسة هلك "

و حسد نیز از بدترین مرضها و خبیث ترین اخلاقها شمرده می شود . بنا بر تعریفی که در کتب اخلاق آمده حسد آن است که انسان دوست داشته باشد که نعمت خدا از برادر مسلمانش رائل گردد و نتواند ببیند که برادر او موقعیت و مقام اجتماعی داشته باشد . دانشمندان فرموده اند : حسد بدترین رذائل و حسود ، بدترین مردم است در باره مذمت از حسد روایات فراوان داریم . از رسول خدا (ص) نقل شده که فرمود : حسد حسنت و اعمال نیک انسان را می خورد و نابود می کند همانطوری که آتش هیزم را :

" الحسد یاکل الحسنات كما تاكل النار "

" الحطب "

خودخواهی و غرور هم از رذائل اخلاقی شمرده شده و ریشخای شیطانی دارد که در باره آن بحث خواهیم کرد . علاوه بر همه اینها انسانها برای کوبیدن دیگران معمولا دست به کارهایی می زنند که غالب آنها گناه و خلاف شرع است مانند (افترا ، تهمت عیب جوئی ، غیبت ، تحقیر و اهانت) زیرا کوبیدن دیگران صورت نمی گیرد مگر اینکه عیب های آنها را جمع آوری نموده و برای مردم بازگو کنند که این همان عیب جوئی و غیبت محرم است و یا در مرحله شدیدتر برای آنها عیبهای تراشند و بر آنها ببندند که این همان تهمت و افترا است و حد خفیف رقابت منفی این است که دیگران را بچیزی شمارند و در موضع گیریها آنها را

مورد تحقیر و اهانت قرار دهند که این هم در اسلام گناه است .

از رسول خدا نقل شده که فرمود : هر کسی به مرد یا زن مؤمنی بهتان بزند و با در باره او چیزی بگوید که در او نیست ، خدای تعالی روز قیامت او را بر تلی از آتش نگاه دارد تا از مسئولیت آنچه گفته است درآید :

"من بهت مؤمننا او مؤمنه او قال فيه"
"ما لیس فيه اقامه الله تعالی یوم -"
"القیامه علی تل من نار حتی ینخرج"
"ما قال فیها"

(سفینه البحار ماده بهت)
و از آن حضرت نقل شده که فرمود :
بهره‌زید از غیبت که گناه غیبت از زنا بیشتر است :

"ایاکم والغیبه فان الغیبه شد من الزنا"
(جامع السعادات)

علی بن خنیس می‌گوید از حضرت صادق شنیدم که می‌فرمود : خدای تبارک و تعالی فرمود : هر کس دوستی از دوستان مرا اهانت کند برای ستیز با من آماده شده است :

"من اهان لی ولیا فقد ارضد لعمارتی"
(وسائل ج ۸ ص ۵۸۸)
از امام صادق (ع) نقل شده که فرمود : هر کس مؤمنی را کوچک نماید با او را سب بشمارد خداوند او را کوچک می‌نماید :

"من حقر مؤمننا واستخف به حقرنا لله"
(الحدیث و مسائل ج ۸ ص ۵۸۹)

عامل سوم : انحصار طلبی

انحصار طلبی معمولا از حب جاه و ریاست خواهی ناشی می‌شود و آن بکسوی شیطنی است . کسانی که میل دارند کارها منحصر در دست آنها باشد و دیگران از صحنه خارج باشند معمولا شهرت دوست و ریاست طلب هستند و اگر خود را خدمتگذار معرفی می‌کنند یک نوع نیرنگ بازی و عوام‌فریبی است و اگر خودشان هم کار خودشان را خوب می‌دانند باین علت است

که شیطان بر آنها مسلط شده و اعمال زشت آنرا نیک جلوه داده است . در باره ریاست طلبی و شهرت دوستی سخن گفتیم ، برای یادآوری بیشتر ، این حدیث شریف را که از حضرت رضا (ع) نقل شده برای خوانندگان ترجمه می‌کنیم :

"عن معمر بن خلاد قال قال بوالحسن"
"علیه السلام ، ما ذنبان ضاریان فی"
"عقنم قد تفرق رعاعا و ما باضرفی دین"
"مسلم من حب الریاسه ."

(وسائل جلد ۱۲ صفحه ۱۳۸)
معمر ابن خلاد می‌گوید : امام رضا (ع) فرمود : ضرر دو گورگ درنده برای گله گوسفندی که چوپانها از آنها جدا شده باشند بیشتر از ضرر ریاست خواهی برای دین مسلمان نمی‌باشد .

عامل چهارم : خودمحوری

خود محوری آن است که انسان خود را محور حق و باطل و درست و نادرست و تشخیص خود را معیار نیک و بد بداند و مردم را به پیروی از خود دعوت کند و همه را برای خود بخواهد ، آنچه خود می‌نهد همه را حق بداند و برای دیگران عقل و اندیشه‌ای قائل نباشد . این اخلاق ناشی از عجب و غرور است که در کتب اخلاق هر دو را از ردائل شمرده‌اند . مرحوم نراقی در جامع السعادت می‌فرماید : عجب این است که انسان بخاطر کمالی که در خود می‌بیند ، خود را بزرگ و با عظمت بداند سپس می‌فرماید : عجب از صفات تباه کننده و از بدترین صفات نکوهیده است :

"العجب من المهلکات العظیمه و"
"ارذل المهلکات الذمیمه"

از رسول خدا (ص) نقل شده که حضرت موسی (ع) از ابلیس پرسید : چه گناهی است که اگر فرزند آدم مرتکب گردد تو بر او مسلط می‌شوی ، جواب داد : آنگاه که عجب او را بگیرد و نفس او را به خود پسندی و ادا نماید و اعمال نیک خود را زیاده

ببیند و گناهانش در نظر او کوچک جلوه کند : (جامع السعادات)

"قال موسی (ع) فاخبرنی بالذنب"
"الذی اذا اذنبها بن آدم استحوذت"
"علیه قال : اذا اعجبت نفسه و"
"استکتر عمله و صغر فی عینه ذنبه"

در همان کتاب می‌گوید : غرور آنست که انسان بر اثر اشتباه و فریب شیطان کارهای خود را که مطابق میل و هوای نفسانی اوست درست بداند و آنها را نیک بنسازد در صورتی که آن کارها نادرست و خطا باشد ، چه بسا انسان در حال معصیت باشد و بر اثر فریب شیطان خود را در عبادت ببیند ، غرور و غفلت منبع هر تباهی و ریشه همه بدبختی‌ها است . از امام صادق (ع) نقل شده که فرمود : انسان مغرور در دنیا بیچاره است و در آخرت ضرر مند ، در قرآن مجید و سخنان معصومین (ع) از غرور بسیار مذمت شده و آن را خطرناک دانستند .

عامل پنجم : تعصبات گروهی

تعصبات گروهی به معنای حمایت بی‌مورد از افراد گروه و برتر دانستن آنها از دیگران است و این همان است که در کتابهای اخلاقی و مجامع حدیثی به عنوان عصبیت از آن یاد شده و عقلی نادرست و گناه معرفی گردیده است . از امام سجاد (ع) نقل شده که آن حضرت فرمود عصبیتی که گناه شمرده می‌شود این است که انسان بدان گروه خود را از دیگران گروه دیگر بهتر بداند :

"عن علی بن الحسین (ع) قال"
"العصیبه التي یأثم علیها صاحبها"
"ان یری الرجل شرار قومه خیرا"
"من خیار الاخرین"

(وسائل جلد ۱۱ صفحه ۲۹۸)
از امام صادق (ع) نقل شده که فرمود : هر کس تعصب بکار ببرد با دیگران برای او تعصب بکار ببرد (و او خوشنود گردد)
ریسمان ایمان از گردن او برداشته می‌شود .
(وسائل جلد ۱۱ صفحه ۲۹۸)

پایان